

نگاهی به داستان «من و عکس او»

تصویر گری دقیق از روزهای اول جنگ



داستان «من و عکس او» در یکی از روستاهای اطراف سوسنگرد آغاز می‌شود. جنگ ایران و عراق هنوز شروع نشده. راوی داستان که با زایوه دید اول شخص مرفق قصه را روایت می‌کند نوچوانی است که در سوسنگرد به همراه دوست صمیمی‌اش

سلیمان به همراه مابقی اهالی بومی روزگار خوشی می‌گذرانند که ناگهان جنگ مثل یختکی روی سرشان هوار می‌شود.

…سال‌هایی به آن پرباری ندیده بودم. شادی و خنده در لب‌های مردم موج می‌زد. لب‌ها هر لحظه خدا را شکر می‌کرد. چند روزی به فصل پاییز و پای‌شادن مدرسه‌ها نمانده بود که صدای انفجار شکستن شیشه‌ها و دادفریاد شنیده شد. تانک‌های عراقی شهرهای مرزی را به توپ بسته بودند(صفحه ۶- پاراگراف دوم).

به همراه سلیمان به خاطر دفاع از سوسنگرد که به دست عراقی‌ها افتاده قاطی نیروهای مردمی می‌شوند و به مبارزه با عراقی‌ها می‌پردازند. طولی نمی‌کشد که شهید چمران به همراه یاران چرکیش خود را به سوسنگرد می‌رسانندو هدایت و فرماندهی نیروهای مردمی را بر عهده می‌گیرد.

دکتر چمران در دفاع از سوسنگرد با منفجر کردن تانک‌های دشمن و استقامت در مقابل نیروی زمینی ارتش دشمن، مانع پیشروی آنها می‌شوند تا اینکه دکتر چمران مجروح می‌شود و به پشت جبهه منتقل می‌گردد.

تصویرسازی و توصیفات نویسنده در گریزی‌های نیروهای مردمی به بارش یعنی در کوچکی‌پوش‌چه‌های سوسنگرد و همچنین فضای وهناک و غمگینی که بر ساختار داستان حاکم است، روزهای اولیه جنگ را به بهترین نحو برای مخاطب زدعی می‌کند: «چشم چرخاندم به اطراف که پر بود از دماغی می‌ها… دلم طلفت نیارود. از جاکنده شدم و رفتم بالای سرشان. تا صبح خواب‌آلود به نیروهای امداد و پرستارها کمک کردم.»(صفحه ۱۳) یا: «…پشت گونی‌های شنی که نزدیک مسجد روی هم چیده بودند دراز کشیدیم. گلوله‌های توپ و خمپاره مثل نقل و نبات روی ساختمان‌ها ریخته می‌شد.»(صفحه۲۵).

یکی دیگر از نکات مثبت داستان که باید به آن اشاره کرد استفاده از توصیفات و تشبیهات زیبای ادبی در داستان است که خواندن آن را جذاب‌تر و دلنشین‌تر می‌کند، در آنجا که راوی نوجوان از اندوه قلبی‌اش در یک غروب دلگیر می‌گوید «با یک صحنه‌ای که با مه‌رات هوای گرگ و میش صبحگاهی را به تصویر می‌کشد: «سرم غریبی توی دلم چنبیره زده بود» یا «آسمان سیاه سفیدی و سیاهی دستم و یا می‌زد» یا در قسمتی از داستان که دارد از صحنه درناک پیشروی تانک‌های عراقی به داخل سوسنگرد می‌گوید: «صدای خش خش تانک از همه طرف شنیده می‌شد مثل خرانس، مثل صدای گرگ…» (صفحه ۱۶)

دو نوجوان اول داستان، از اول جمله یعنی‌ها تا آمدن نیروهای کمکی و نظامی و آزادی بستان و سوسنگرد و سرتهای اطراف، پا به پا و شانه به شانه زنده‌ها، متعصبانه از سرزمین اجزادی‌شان دفاع می‌کنند. نویسنده در این داستان اشاره‌ای مستقیم دارد به تمهد و استقامت نوجوانان نسل‌های گذشته در هنگام جنگ.

در اواسط داستان، پدر راوی بر اثر اصابت خمپاره جلوی چشمان پسرش شهید می‌شود و او مصمم می‌شود که نگذارد خون پدرش یا پامل‌شود.

با وجود اوج و فرودهای به موقع داستان و شخصیت‌پردازی‌های موفق نویسنده و فضاسازی‌های مناسب از جنگ، اما بعضی از جملات نویسنده برای مخاطب، نامفهوم باقی مانده است و این نشانگر تعجل نویسنده در نوشتن و پیش بردن داستان است. «جلوی مسجد جامعه از آدم موج می‌زد.»(صفحه۱۷) یا «دکتر رگباری سبز» (صفحه ۱۴) یا در بستر همه‌شان (زخمی‌ها) خون سیاهی خشک شده بود. (صفحه ۱۳) با این تفصیل، مفتحه پایانی داستان سرشار از امیدوی است که روایت ماجراه‌ای غمگین و تلخ قصه را کاملاًاز ذهن مخاطب می‌زاید و آن هم ششکسته شدن حصر سوسنگرد و عقب‌نشینی از تش عراق است که لیچند شادی را بر لبان دو دوست خسته و نوجوان می‌نشاند. نویسنده این کتاب زنده‌یاد داود یوحنا بختیاری دانشور متولد ۱۳۴۶تهران است و انتشارات شاهد با همکاری نشر سوره مهر این کتاب را منتشر کرده است.

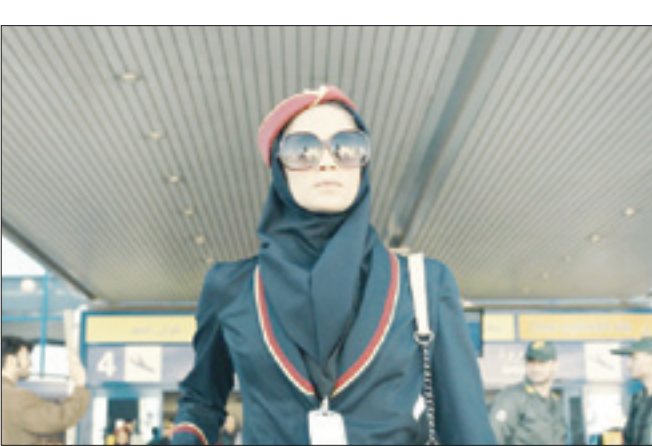


روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سردبیر: غلامرضا صدقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴ روابط عمومی: ۸۸۸۴۵۶۳۴۴-۶ نامبر: ۸۸۸۴۹۸۴۴۸-۲۰۲۲توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۶۸ | سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۹ | ۷ | الْحججه ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۱۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۱۴ | ۲۰ | اذان‌مغرب: ۲۰:۲۲ | ۲۰ | ایمه‌شب‌شعرع: ۲۰:۲۲ | اذان‌صبح‌فرد: ۰۴:۲۲ | طلوع‌آفتاب‌فرد: ۰۶:۱۰

«تهران» گل به خودی مضحک صهیونیست‌ها

در سریال «تهران» دانشجویان معترض، همجنس‌بازان بی‌بندوباری به نمایش درآمده‌اند که با فروش مواد مخدر امرار معاش می‌کنند



■ محمدرضا هادپلو

«تهران» سریالی صهیونیستی است که از همان ابتدا نامش نگاه‌ها را به سمت پایتخت ایران می‌کشد. سریالی که ماه‌ها تبلیغ برای روی خط خیر ماندنش انجام‌شده تا نظر‌ها را به خود جلب و مخاطبان را در عیش آمدنش، خریصی کند در هشت قسمت ساخته شده است. در یک کلام در نقد و تحلیل آن باید گفت: اگر ایران تصمیم می‌گرفت سریالی ضد رژیم صهیونیستی بسازد، شاید هیچ وقت نمی‌توانست به چنین نتیجه خوبی دست یابد؛ سریالی با فیلمنامه‌ای مضحک و ضعیف که

باید گل به خودی صهیونیست‌ها لقب بگیرد. بدون هیچ مناقشه‌ای باید اعتراف کنیم اگر صهیونیست‌ها از همان اول اعلام می‌کردند می‌خواهند یک سریال طنز یا حتی مضحک بسازند، دیگر مجبور نبودند به اندازه «تهران» مورد تمسخر قرار بگیرند. قصه با ورود زنی از نیروهای آموزش دیده موساد به پایتخت ایران آغاز می‌شود. شیوه ورود این نیروی آمده برای عملیات‌های سخت هم‌طوری به‌نمایش کشیده می‌شود که نشان دهد صهیونیست‌ها می‌توانند در هر سیستمی در اقصی نقاط دنیا چرابکاری ایجاد کرده و کنترل تمام هواپیماهای دنیا را به دست بگیرند. عامل موساد یا همان تامار رابینان مأموریت دارد با ورود به سازمان برق تهران و خنثی کردن پدافند هوایی ایران شرایط را برای ورود هواپیماهای جنگی اسرائیل به حریم هوایی ایران و بمباران یکی از آکنورهای هسته‌ای مهیا کند؛ بمبارانی که لاید برای نیابت‌داز دستیار

ایران به بمب اتمی است!

■ فیلمنامه‌ای بدون شناخت ایران

در سریال تهران اگر از بازی‌های سرد بازیگران که بیشتر به یک ادابازی می‌ماند و لهجه‌هایی که با زور می‌خواهد به فارسی نزدیک شود، فاکتور بگیریم، به فیلمنامه‌ای می‌رسیم که نه تنها در مورد ایران اطلاعاتی ندارد، بلکه حتی اخبار کانال‌های معاند و ضد ایرانی را هم مرور نکرده تا چیزی بنویسد که در همان قسمت اول و در قسمت زمانی که تامار از فرودگاه خارج شده و در تاکسی به سمت مقصد می‌رود، یکی از میدان‌های تهران از نشان می‌دهد که جمعیتی در اطراف آن حضور دارند. تامار از راننده می‌پرسد: «چه خبر؟» و راننده تاکسی که از همان ابتدا در حال آمار دادن در مورد براجام و تورم

حضرت زهرا(س):

خداوند زکات را پاک‌کننده جان و افزایشده روزی قرار داد.

الاحتجاج: ج ۱ ص ۲۵۸ ح ۴۹

| روزنامه جوان | شماره ۷ مرداد ۱۳۹۹ | ۷ | الْحججه ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۱۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۱۴ | ۲۰ | اذان‌مغرب: ۲۰:۲۲ | ۲۰ | ایمه‌شب‌شعرع: ۲۰:۲۲ | اذان‌صبح‌فرد: ۰۴:۲۲ | طلوع‌آفتاب‌فرد: ۰۶:۱۰

Where is the virus?



گفت‌وگوی «جوان» با «علی‌شاه‌حاتمی» کارگردان باسابقه سینما و تلویزیون

نمی‌توان با پول یک‌شبه هنرمند شد اما می‌توان مجوز کارگردانی گرفت!

آن‌بخت‌برگشته‌ای که فریب می‌خورد پولی میلیاردی خرج کند و پروانه بگیرد، معلول است علت را باید در سازوکاری جست که آن قدر بی‌ضابطه شده که ولو به شایعه در آن می‌گویند اگر سرمایه تولید داشته باشید، برایتان پروانه کارگردانی هم می‌گیریم

سینما ‏ کارگردان سینما و تلویزیون **با بیسان اینکه یک‌شبه نمی‌شود هنرمند شد** **به این نکته اشاره کرد که ظاهراً می‌توان یک‌شبه مجوز کارگردانی گرفت.** **روال صدور مجوزهای کارگردانی تهیه‌کنندگی در سال‌های اخیر به سمتی رفته که هیچ تناسبی با بازار سینمای ایران ندارد. از یک طرف مدام درباره شکست تجاری فیلم‌های مختلف می‌شنویم و از طرف دیگر هر هفته چندین پروانه ساخت صادر می‌شود و چندین فرد پروانه کارگردانی تهیه‌کنندگی می‌گیرند. علی‌شاه‌حاتمی کارگردان باسابقه با بیان اینکه به صرف ورود سرمایه نمی‌شود هنرمند شد به «جوان» گفت: هنر باید درونی باشد و ناشی از جوشش ذهنی، و گرنه به جایی نمی‌رسد. اینکه کسی به خاطر علاقه‌مندی‌های خاص خود می‌خواهد کار هنر کند ایرادی ندارد ولی باید پله پله باشد، یعنی از پایین شروع کند و به تدریج بالا بیاید. این کارگردان ادامه داد: سابق بر این کلی عشق بازیگری داشتیم که با پول دادن، نقش می‌خریدند و حالا انگار عطلش دیده شدن به سمت کارگردانی تهیه‌کنندگی هم آمده و برخی جهت اعتبار یافتن در سینما به هر دستاویزی چنگ می‌زنند که مجوز کارگردانی یا تهیه‌کنندگی بگیرند.**

کارگردان «تعقیب سایه‌ها» و «برنده آهنگین» خاطر نشان ساخت: هر که عشق کارگردانی دارد می‌تواند در کنار تحصیل و از طریق دستیارانی در پروژه‌های مختلف سینمایی و تلویزیونی، فوت و فن کار را در یک بازه زمانی چندساله آموخته و بعد سراغ فیلمسازی برود.

شاه‌حاتمی درباره خطرناک‌بودی حسابد و کتاب‌کارگردان تهیه‌کننده به سینما عنوان کرد: نتیجه بی‌قاعدگی می‌شود آنبوه فیلم‌هایی که همه سال تولید می‌شود و جز ارزشیابی ندارند. نمی‌شود که هنر مندثاری را خلق کند و بگذارد در کمد آنز هنری بآید دریا دیده شود و هر چقدر بیشتر دیده شود، هنرمند بهتر ارزیابی می‌شود. اینکه هر سال کلی کارگردان معرفی می‌شود و بسیاری به فیلم دوم هم نمی‌رسند، نمره ورود بی‌حساب و کتاب به سینماست. این فیلمساز ادامه داد: مگر امکان دارد فردی به واسطه بولداری بتواند پزشکی یا مهندسی یا حتی یک جوشکار

اعتراض ایران به اقدام ترکیه درباره «خوشنویسی اسلامی»



ایران اعتراض رسمی خود را نسبت به پیشنهاد ترکیه برای ثبت پرونده «خوشنویسی اسلامی» برای اجلاس ۲۰۲۱ یونسکو ارائه کرد.
به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، محمدحسن طالیبان معاون میراث فرهنگی وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با بیان اینکه تا پیش از این پرونده‌ای با عنوان خوشنویسی از سوی ترکیه برای سال ۲۰۲۰ مطرح نبود، گفت: بر اساس اطلاع واصله اخیر، ترکیه پرونده‌ای را با عنوان «خوشنویسی اسلامی» برای سال ۲۰۲۱ یونسکو ارائه داده است که این اتفاق با اعتراض وزارتخانه میراث فرهنگی مواجه شد. او با تأکید بر اینکه هر کشوری می‌تواند میراث فرهنگی ناملموس خوشنویسی کشور خود را ثبت کند، ادامه داد: اما صفت «اسلامی» در واقع به گستره بیش از کشور ترکیه اشاره دارد و این خلاف کنوانسیون ۲۰۰۳ «حراست از میراث فرهنگی ناملموس» است.

وی با اشاره به اینکه عنوان پرونده پیشنهادی ترکیه برای خوشنویسی دارای صفت «اسلامی» است، افزود: این امر مورد اعتراض رسمی ایران قرار گرفت، چون صفت اسلامی نمی‌تواند محدود به ترکیه باشد، فارغ از آنکه منشأ خوشنویسی اسلامی را باید در ایران جست و اعتراض ایران نسبت به این اتفاق به یونسکو ارائه شد.

به گفته معاون میراث فرهنگی کشور، ایران نیز برای سال ۲۰۲۱، پرونده خوشنویسی خود را در چارچوب فهرست